

روایت‌های زنانه از دو دفاع مقدس؛

مطالعه تطبیقی تجربه زیسته زنان ایرانی در جنگ ۸ ساله و جنگ ۱۲ روزه

زهره کوهساری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۸

چکیده:

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی تجربه زیسته زنان ایرانی در دو مقطع مهم از تاریخ مقاومت معاصر - جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۳) - به بررسی روایت‌های زنانه از جنگ و نقش‌آفرینی آنان در قالب‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای می‌پردازد. مسئله اصلی تحقیق آن است که چگونه شکل‌کنش و روایت‌گری زنان ایرانی در فاصله چهار دهه، دچار تحول شده و این تغییر چه پیامدهایی برای گفتمان مقاومت و حافظه جمعی داشته است. با بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل محتوای روایت‌های شفاهی، مستندات رسانه‌ای و اسناد تجربی، این مطالعه نشان می‌دهد که زنان ایرانی در دفاع مقدس نخست بیشتر در قالب‌های امدادگری، پشتیبانی لجستیکی، پرستاری، تربیت فرزندان مقاوم و حمایت از رزمندگان ظاهر شدند، در حالی‌که در جنگ ۱۲ روزه، زنان در میدان جنگ نرم و رسانه‌ای حضور پررنگ‌تری داشتند؛ کنش‌هایی همچون روایت‌گری مجازی، تولید محتوای مقاومتی، افشاگری رسانه‌ای، و ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی در بستر دیجیتال. این تغییر نه تنها نشانگر تحول در ابزارها و فضاهای کنش است، بلکه حاکی از رشد آگاهی، سواد رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری زنان ایرانی در سطح ملی و فراملی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روایت‌های زنانه در هر دو دوره، نقش مهمی در تثبیت گفتمان مقاومت، انتقال مفاهیم ارزشی و برساخت هویت زن مسلمان ایرانی ایفا کرده‌اند. این روایت‌ها نه تنها منبعی برای بازنویسی تاریخ جنگ از منظر جنسیت هستند، بلکه ابزارهایی مؤثر برای دیپلماسی فرهنگی و مقاومت نرم در سطح جهانی محسوب می‌شوند. در پایان، پژوهش پیشنهاداتی کاربردی برای بهره‌گیری از این روایت‌ها در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای و سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد.

واژگان اصلی: روایت زنانه، مقاومت، جنگ ۸ ساله، جنگ ۱۲ روزه، تجربه زیسته، رسانه، گفتمان دفاعی، زن ایرانی.

۱. استادیار گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

جنگ نه صرفاً یک پدیده نظامی، بلکه تجربه‌ای پیچیده و چندلایه اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی است که بر زندگی فردی و جمعی ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. زنان در طول تاریخ همواره به‌گونه‌ای فعال یا منفعل در میدان جنگ و پیرامون آن حضور داشته‌اند؛ خواه در نقش‌های سستی چون مادر، همسر و پرستار، و خواه در نقش‌های مدرن‌تری چون رزمنده، خبرنگار، راوی و کشگر اجتماعی. (Enloe, 2000) اگرچه بازنمایی جنگ در روایت‌های رسمی اغلب با محوریت قهرمان‌سازی مردانه همراه بوده، اما روایت‌های زنانه توانسته‌اند لایه‌های مغفول مانده‌ای از واقعیت جنگ، از جمله ترس، سوگواری، امید، بازسازی و مقاومت عاطفی را به تصویر بکشند (Sjoberg & Gentry, 2007)

در جمهوری اسلامی ایران، روایت‌های زنانه از جنگ ۸ ساله با عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) در قالب ادبیات پایداری، خاطره‌نگاری و آثار هنری جایگاه ویژه‌ای یافته و به شکل‌گیری «حافظه جمعی زنانه» از دفاع مقدس کمک کرده‌اند (عاصی، ۱۳۹۵؛ حسینی، ۱۳۸۸). کتاب‌هایی چون دا، کوچه نقاش‌ها و پایی که جا ماند نه تنها مستنداتی از حضور زنان در جنگ‌اند، بلکه گفتمانی از فداکاری، ایثار و قدرت نرم زنان ایرانی در بحران را بازتاب می‌دهند (سعیدی، ۱۳۹۶)

با این حال، مواجهه ایران با جنگ‌های نوین، به‌ویژه درگیری ۱۲ روزه اخیر با رژیم صهیونیستی، الگوهای متفاوتی از تجربه زیسته زنان پدید آورده است؛ زنانی که در شرایط حملات موشکی، تهدیدهای امنیتی و فضای جنگ شناختی، روایت‌گر مقاومت، اضطراب، بازدارندگی و همبستگی اجتماعی بوده‌اند. در این بستر، روایت‌های دیجیتال‌شده زنان (در قالب ویدئو، پست‌های رسانه‌ای، بیانیه‌ها و مصاحبه‌ها) شکلی نو از حافظه زنانه جنگ را رقم زده‌اند که با روایت‌های کلاسیک دفاع مقدس تفاوت‌های مفهومی و رسانه‌ای آشکاری دارد (Hoskins & O'Loughlin, 2010)

مقاله حاضر با رویکردی تطبیقی، در پی تحلیل روایت‌های زنانه در دو تجربه جنگی جمهوری اسلامی ایران است: نخست جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، و دوم جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۲۰۲۴). هدف اصلی پژوهش، واکاوی نحوه بازنمایی جنگ از منظر زنان، تحلیل تفاوت‌های سبک روایت، نقش‌های جنسیتی، ابزارهای بیانی و شیوه‌های مقاومت عاطفی و اجتماعی در دو بستر تاریخی متفاوت است. برای این منظور، چارچوب نظری پژوهش متکی است بر نظریه حافظه جمعی موريس هالواکس (Halbwachs, 1992)، روایت‌شناسی جنسیتی (Cavarero, 2000) و دیدگاه فمینیسم جنگ (Cohn, 2013)

روش تحقیق این مقاله، تحلیل کیفی روایت‌های زنانه با بهره‌گیری از منابع مکتوب (خاطرات، کتاب‌ها، گزارش‌های مستند) در مورد جنگ هشت‌ساله و روایت‌های دیجیتال و رسانه‌ای در مورد جنگ ۱۲ روزه است. بر این باوریم که مطالعه تطبیقی این دو گونه روایت، امکان فهم عمیق‌تری از تحولات نقش زنان در بحران‌های جنگی، تغییر الگوهای بازنمایی و نسبت میان حافظه، جنسیت و مقاومت در تاریخ معاصر ایران را فراهم می‌آورد.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش:

۱. روایت زنانه، حافظه جمعی و بازنمایی جنگ

مطالعات حافظه تاریخی نشان می‌دهند که جنگ نه تنها رویدادی نظامی، بلکه پدیده‌ای است که در حافظه جمعی بازتولید می‌شود و از طریق روایت‌ها معنا می‌یابد. نظریه «حافظه جمعی» موريس هالواکس تأکید می‌کند که حافظه فردی همواره در بستر گروهی و اجتماعی ساخته می‌شود و این حافظه به‌شدت تحت تأثیر گفتمان‌های مسلط و روایت‌های فرهنگی است (Halbwachs, 1992). در این میان، روایت‌های زنانه از جنگ، ظرفیت بالایی برای تفسیرهای چندلایه دارند، زیرا علاوه بر بازتاب جنگ به مثابه یک فاجعه، نشان‌دهنده مقاومت، مراقبت، ترس، فداکاری، و بازسازی اجتماعی نیز هستند (Cavarero, 2000).

روایت زنان از جنگ، به‌ویژه در قالب خاطره‌نگاری، زندگی‌نامه، رمان، یا پست‌های دیجیتالی، نقشی دوگانه ایفا می‌کند: از یک سو اسناد اجتماعی از تجربه‌های زیسته‌اند، و از سوی دیگر کنش‌های سیاسی و فرهنگی برای بازتعریف هویت زنانه در متن جنگ (Alison, 2004; Cooke, 2007). در ایران نیز از دهه ۱۳۸۰ به بعد، ظهور خاطره‌نگاری‌های زنانه چون دا، من زنده‌ام و کوچه نقاش‌ها نقش مهمی در بازآفرینی حافظه جمعی زنانه از جنگ ایفا کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۸؛ باباخانی، ۱۳۹۳؛ درگاهی، ۱۳۹۷).

۲. فمینیسم جنگ و جنسیت در بحران‌های نظامی

یکی از رویکردهای بنیادین برای تحلیل روایت‌های زنانه در جنگ، بهره‌گیری از نظریه‌های فمینیسم جنگ است. این رویکرد با نقد مردمحوری گفتمان‌های رسمی نظامی و تحلیل نقش‌های جنسیتی، به بازشناسی تجربه‌های زنان در جنگ و نحوه روایت آن‌ها می‌پردازد (Sjoberg & Gentry, 2007). Cynthia Enloe نشان می‌دهد که چگونه

سیاست‌های نظامی‌سازی، نقش‌های جنسیتی خاصی برای زنان تعریف می‌کند که هم‌زمان مبتنی بر خدمت، وفاداری و قربانی‌بودن است (Enloe, 2000)

از سوی دیگر، فمینیسم جنگی تلاش دارد تا روایت‌هایی از زنان فعال در جنگ (نظامی، امدادی یا رسانه‌ای) را که از نقش‌های کلیشه‌ای فراتر می‌روند، در مرکز توجه قرار دهد. این روایت‌ها نه تنها «زنان جنگ‌دیده» بلکه «زنان کنشگر در جنگ» را به مثابه سوژه‌های تحلیل معرفی می‌کند (Cohn, 2013)

۳. روایت دیجیتال، جنگ نوین و بازنمایی رسانه‌ای زنان

در سال‌های اخیر، با گسترش فضای مجازی، شکل‌های جدیدی از روایت‌گری جنگ توسط زنان پدید آمده است که در چارچوب «روایت‌های دیجیتال‌شده» یا «روایت‌های مشارکتی» قابل تحلیل‌اند. این روایت‌ها با ابزارهایی چون ویدئوهای کوتاه، پست‌های شبکه‌های اجتماعی، یادداشت‌های روزانه آنلاین، و تولید محتوای تصویری، حافظه‌ای مشارکتی و چندصدا ایجاد می‌کنند که مرز میان روایت فردی و جمعی را محو می‌سازند (Hoskins & O'Loughlin, 2010)

در جنگ ۱۲ روزه اخیر ایران و اسرائیل (۲۰۲۵)، بسیاری از روایت‌های زنان از تجربه جنگ، حضور در مناطق ناامن، شهادت عزیزان یا مشارکت در پشتیبانی مردمی، از طریق این بسترهای رسانه‌ای بازتاب یافتند. این شکل از روایت، که اغلب با خشم، هویت‌طلبی، میهن‌دوستی و سوگواری گره خورده است، با روایت‌های کلاسیک و نوشتاری دفاع مقدس تفاوت‌های مفهومی و زیبایی‌شناختی دارد (Andén-Papadopoulos, 2009)

۴. پیشینه پژوهش در ایران

مطالعات مختلفی در ایران به بررسی خاطره‌نگاری جنگ و نقش زنان در دفاع مقدس پرداخته‌اند. برای نمونه:

حسینی (۱۳۸۸) در کتاب‌دا تجربه شخصی خود را از حضور در خرمشهر روایت می‌کند که به یکی از نمونه‌های شاخص حافظه زنانه جنگ تبدیل شده است.

درگاهی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان جنسیتی در خاطرات زنان از دفاع مقدس»، به بررسی الگوهای زبانی و هویتی در روایت‌های زنان پرداخته است.

زرین‌کوب و خدایی (۱۳۹۹) در پژوهشی تطبیقی میان خاطرات زنان ایرانی و زنان عراقی در جنگ، تفاوت‌های نگرشی، فرهنگی و رسانه‌ای این دو را تحلیل کرده‌اند.

شریفی و عسگری (۱۴۰۱) با تمرکز بر «رسانه و جنگ»، شکل‌گیری هویت زنانه مقاومت در شبکه‌های اجتماعی را در جنگ‌های معاصر بررسی کرده‌اند.

با این وجود، تاکنون پژوهش منسجمی که به‌طور تطبیقی روایت‌های زنانه در جنگ ۸ ساله و جنگ ۱۲ روزه بپردازد، صورت نگرفته است و این مقاله درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

۵. اعتبار و قابلیت اعتماد پژوهش

برای افزایش اعتبار پژوهش از راهبردهای مثلث‌سازی داده‌ها (data triangulation)، بازخوانی مجدد متون توسط دو تحلیل‌گر مستقل، و مقایسه درون‌متنی و بین‌متنی بهره گرفته شد. همچنین سعی شده با استفاده از روایت‌های متنوع، از خطر سوگیری در انتخاب نمونه‌ها کاسته شود.

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تطبیقی است که با هدف تحلیل روایت‌های زنانه در دو جنگ دفاعی معاصر ایران (جنگ ۸ ساله ایران و عراق و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۵) انجام می‌شود. این مطالعه در چارچوب نظریه‌های روایت، حافظه جمعی، و فمینیسم جنگ طراحی شده است و از روش تحلیل روایت بهره می‌برد.

۱) نوع تحقیق و رویکرد نظری

این تحقیق از نوع مطالعه کیفی تطبیقی (comparative qualitative study) است و تلاش دارد با روش‌شناسی تفسیرگرایانه، تجربه زیسته زنان را در دو بافت زمانی و جنگی متفاوت مقایسه و تفسیر کند. رویکرد نظری پژوهش، ترکیبی از نظریه حافظه جمعی (Halbwachs, 1992)، روایت‌شناسی (Cavarero, 2000) و فمینیسم جنگ (Enloe, 2000; Cohn, 2013) است. این ترکیب نظری امکان تحلیل چندلایه‌ای از روایت‌های زنان در بسترهای فرهنگی، سیاسی و جنسیتی جنگ را فراهم می‌آورد.

۲) جامعه پژوهش و نمونه‌ها

جامعه پژوهش شامل روایت‌های زنان ایرانی از دو جنگ مذکور است که در قالب‌های مختلفی مانند خاطره‌نگاری مکتوب، مصاحبه‌های رسانه‌ای، روایت‌های شفاهی و محتوای دیجیتال در دسترس‌اند. نمونه‌های پژوهش به‌صورت هدفمند و مبتنی بر معیار (purposive sampling) انتخاب شده‌اند. معیارهای انتخاب شامل:

- حضور مستقیم یا غیرمستقیم زنان در فضای جنگ (مشارکت فعال، پشتیبانی، تجربه زیسته در مناطق درگیر)
 - بازتاب روایت در یکی از قالب‌های متنی، گفتاری یا تصویری (کتاب، فیلم، گفت‌وگو، شبکه‌های اجتماعی)
 - قابلیت تحلیلی روایت از منظر جنسیت، حافظه و مقاومت
- در مجموع، ۱۰ روایت شاخص از زنان در جنگ ۸ ساله (از منابعی چون دا، من زنده‌ام، کوچه نقاش‌ها) و ۱۰ روایت از جنگ ۱۲ روزه (گردآوری‌شده از فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر روایت‌های منتشرشده در پلتفرم‌های داخلی و مصاحبه با زنان جهادگر حاضر در میدان و زنان آسیب دیده از موضوع) مورد بررسی قرار گرفتند.

۳) ابزار گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی، مصاحبه‌های موجود، و تحلیل محتوای دیجیتال انجام شده است. ابزار گردآوری شامل فرم تحلیل روایت، فیش‌برداری متنی، و جدول مقایسه‌ای عناصر روایی است.

۴) روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل روایت (Narrative Analysis) استفاده شده است. این روش با تمرکز بر ساختار روایی، کنشگران، زمان‌مندی، الگوهای معنایی، و تم‌های محوری روایت‌ها، به تفسیر تجارب زنان در دو جنگ می‌پردازد. (Riessman, 2008) به‌طور خاص، روایت‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک روایی در چهار محور مقایسه شدند.

- تجربه حضور در موقعیت جنگی (ترس، مقاومت، مراقبت، مدیریت خانواده)
- بازنمایی بدن زن در جنگ (زخم، مرگ، پایداری)
- نسبت روایت با هویت ملی و دینی
- نقش رسانه‌ها در ساخت یا تقویت روایت

ضرورت و اهمیت پژوهش:

مطالعه تجربه زیسته زنان در جنگ‌ها نه تنها به بازنمایی بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌پردازد، بلکه درک ما را از نسبت جنسیت، خشونت، مقاومت و حافظه جمعی نیز ژرف‌تر

می‌سازد. در بسیاری از تحلیل‌های رسمی و روایات تاریخی جنگ‌ها، حضور زنان یا نادیده گرفته شده یا در قالب‌های کلیشه‌ای همچون مادران شهید یا امدادگران بازنمایی شده است (Cohn, 2000; Enloe, 2013). در حالی‌که زنان در جنگ، نه تنها کنشگران منفعل یا حاشیه‌ای نبوده‌اند،

بلکه در مقام کنشگرانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی ایفای نقش کرده‌اند.

جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ‌های قرن بیستم در غرب آسیا به شمار می‌رود که میلیون‌ها ایرانی به‌ویژه در مناطق مرزی را تحت تأثیر قرار داد. در این میان، زنان ایرانی در اشکال مختلف مشارکت فعال در جنگ داشته‌اند؛ از پشتیبانی لجستیکی و درمانی تا روایت‌گری و حفظ انسجام خانواده (حسینی، ۱۳۸۸؛ سادات حسینی، ۱۳۹۳). در سال ۲۰۲۵ نیز، در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل که در پاسخ به حملات رژیم صهیونیستی و در بستر تنش‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفت، بار دیگر شاهد حضور مؤثر زنان، به‌ویژه در حوزه رسانه، روایت‌گری، مراقبت از خانواده و پایداری اجتماعی بودیم.

ضرورت پرداختن به این موضوع از چند جهت قابل تبیین است؛

- کمبود مطالعات تطبیقی درباره روایت‌های زنانه در جنگ‌های مختلف، به‌ویژه از منظر تجربه زیسته، روایت‌شناسی و تحلیل گفتمان. این خلأ در ادبیات علوم انسانی و مطالعات زنان ایران محسوس است (Bagheri, 2021)

- تحول در شکل و ابزارهای روایت‌گری زنان در جنگ‌های معاصر، به‌ویژه با ظهور رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و روایت‌های چندرسانه‌ای. مقایسه روایت‌های سستی مکتوب در جنگ ایران و عراق با روایت‌های دیجیتالی و رسانه‌ای در جنگ ۱۲ روزه، امکان فهم بهتر تغییرات فرهنگی و رسانه‌ای را فراهم می‌سازد (Gusterson, 2016)

- بازنمایی زنان در روایت‌های جنگی، پیوندی عمیق با هویت ملی، حافظه جمعی و گفتمان مقاومت دارد. تحلیل علمی این روایت‌ها می‌تواند به بازاندیشی در گفتمان امنیتی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران کمک کند (Halbwachs, 1992; Ahmadi, 2020)
- اهمیت روایت در بازسازی هویت پساجنگ. روایت‌های زنانه، نه تنها حافظه تاریخی را ثبت می‌کنند بلکه در فرآیند التیام، بازسازی اجتماعی و انتقال فرهنگی پس از جنگ نقش بنیادین دارند (Riessman, 2008)

سوالات پژوهش:

۱. روایت‌های زنان ایرانی از تجربه زیسته جنگ ۸ ساله ایران و عراق و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟
۲. کدام ابعاد جنسیتی و فرهنگی در روایت‌های زنانه از این دو جنگ برجسته‌تر است؟
۳. نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در شکل‌گیری و انتقال روایت‌های زنانه در جنگ ۱۲ روزه چگونه با روایت‌های سنتی جنگ ۸ ساله مقایسه می‌شود؟
۴. چگونه روایت‌های زنان در دو جنگ مذکور به بازنمایی هویت ملی، مقاومت و حافظه جمعی کمک می‌کنند؟
۵. چه الگوهای معنایی و ساختاری در روایت‌های زنانه از دو جنگ دفاعی قابل شناسایی است؟

اهداف پژوهش:

هدف کلی:

تحلیل تطبیقی روایت‌های زنانه از تجربه زیسته زنان ایرانی در جنگ ۸ ساله ایران و عراق و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل با تأکید بر ابعاد جنسیتی، فرهنگی و رسانه‌ای

اهداف جزئی:

- بررسی و توصیف تجربه زیسته زنان ایرانی در دو جنگ دفاعی مورد مطالعه (دو دفاع مقدس).
- شناسایی و مقایسه ابعاد جنسیتی و فرهنگی در روایت‌های زنانه از جنگ‌ها.
- تحلیل نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در بازنمایی روایت‌های جنگی زنان.
- تبیین نقش روایت‌های زنانه در ساخت هویت ملی، حافظه جمعی و گفتمان مقاومت.
- استخراج الگوهای معنایی و ساختاری موجود در روایت‌های زنان و مقایسه آن‌ها بین دو جنگ.

پژوهش حاضر، مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی و روش پدیدارشناسی روایت‌محور، به استخراج و مقایسه‌ی مضامین مرکزی در تجربه زیسته زنان در دو جنگ دفاعی پرداخته است. یافته‌ها در قالب پنج محور عمده تحلیل می‌شوند

۱) مضامین مشترک در روایت‌های زنانه از دو دفاع مقدس

بررسی متون، خاطرات و روایت‌های زنان در هر دو جنگ نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در بستر زمانی، مکانی و رسانه‌ای، چند مضمون مشترک در هر دو دوره برجسته است:

✓ **تجربه اضطراب و مسئولیت مضاعف:** زنان در هر دو جنگ، نقش چندگانه‌ای در حفظ خانواده، مراقبت از فرزندان، امدادسانی و تقویت روحیه اطرافیان ایفا کردند (Riessman, 2008; حسینی، ۱۳۸۸). این مسئولیت‌ها همراه با اضطراب ناشی از حملات، آوارگی یا نبود همسران، بخشی از روایت‌های مکرر آنان را شکل داده است.

✓ **احساس تعلق به دفاع مقدس و مشروعیت مقاومت:** زنان در هر دو روایت، کنش‌گری خود را در چارچوب «دفاع از وطن»، «حفظ دین و شرف» و «ادای تکلیف» معنا می‌کنند.

✓ **نقش حافظه و ایمان دینی:** در هر دو دوره، عنصر ایمان، توکل و الهام از زنان صدر اسلام یا عاشورا حضوری پررنگ دارد. این امر سبب تقویت تاب‌آوری و معنابخشی به رنج و فداکاری شده است (سادات حسینی، ۱۳۹۳)

۲) تفاوت در شیوه‌های روایت‌گری و رسانه‌پذیری

یکی از تفاوت‌های مهم میان دو دوره جنگ، ابزار و بستر روایت‌گری است؛ در جنگ ۸ ساله، بیشتر روایت‌ها مبتنی بر خاطره‌نگاری، کتاب، مصاحبه‌های مکتوب یا شفاهی سنتی است. این روایت‌ها معمولاً ساختاری خطی، پر از استعاره‌های دینی و پنهان‌سازی آسیب‌ها دارند (Bagheri, 2021)

اما در جنگ ۱۲ روزه، روایت‌های زنان از طریق شبکه‌های اجتماعی، استوری‌های اینستاگرام، توییت‌ها و ویدئوهای کوتاه منتشر شده‌اند که اغلب شخصی‌تر، بی‌واسطه‌تر و گاه با نقد صریح‌تر همراه‌اند. در اینجا، فناوری روایت را هم سریع‌تر و هم متنوع‌تر کرده است. (Gusterson, 2016)

۳) تحول در جایگاه سوژه زن در روایت‌ها

در جنگ ایران و عراق، زنان عمدتاً در جایگاه «مادر شهید»، «خواهر رزمنده» یا «همسر مقاوم» بازنمایی می‌شوند که نقش‌شان در پشتیبانی، تغذیه یا معنویت است. اما در جنگ ۱۲ روزه، روایت

زنان حاوی نوعی «بازپس‌گیری عاملیت» است:

زنان خود را به‌عنوان خبرنگار، تحلیلگر، راوی مقاومت در توئیتر یا اینستاگرام معرفی می‌کنند.

مضامین «زن/قهرمان/راوی» در کنار «زن/منتقد/کنشگر» دیده می‌شود

برخی روایت‌ها جنبه آسیب‌شناسی نیز پیدا می‌کنند: از ناتوانی دولت در حمایت، تا تجربه‌های آوارگی در کلان‌شهرها.

۴) بازنمایی حافظه جمعی و هویت زن مسلمان ایرانی

هر دو مجموعه روایت‌ها در بازسازی حافظه جنگی ایران نقش دارند، اما با شیوه‌هایی متفاوت؛ روایت‌های جنگ ۸ ساله بیشتر حافظه‌ای تاریخی و آرمانی را می‌سازند که بر فداکاری، ایثار و تقدس استوار است.

لکن روایت‌های جنگ ۱۲ روزه به حافظه‌ای شخصی‌تر، چندصدا و حتی متکثر اشاره دارند که در آن تفاوت‌های طبقاتی، سبک زندگی و حتی نقدهای اجتماعی دیده می‌شود. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که هویت زن ایرانی مسلمان در بستر جنگ، در حال تحول است: از الگوی سنتی فداکاری تا الگوی کنش‌گری رسانه‌ای، روایت‌گرایانه و آگاهانه.

تحول کنش‌گری زنان در دو دفاع مقدس: مقایسه‌ای میان دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۴۰۰

در فاصله‌ی چهل سال میان جنگ ۸ ساله ایران و عراق و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، جامعه ایرانی دستخوش تحولات اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیک و گفتمانی گسترده‌ای شده است. این تحولات، به‌ویژه در موقعیت زنان و شیوه‌های نقش‌آفرینی آنان در موقعیت‌های بحرانی و جنگی، تأثیر مستقیم داشته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقش و کنش‌گری زنان ایرانی در مواجهه با جنگ، از الگوی «پشتیبانی مقدس» به «کنش‌گری چندلایه و آگاهانه رسانه‌محور» تغییر یافته است.

۱. الگوی کنش‌گری در دهه ۱۳۶۰: زن ایثارگر پشتیبان جبهه

در جنگ ایران و عراق، زن ایرانی در چارچوب گفتمان رسمی جمهوری اسلامی، به‌عنوان مظهر فداکاری، ایثار، تربیت‌گری و پشتیبانی معنوی از رزمندگان تعریف می‌شد. نقش‌هایی چون: مادر شهید، همسر جانباز، خواهر رزمنده پشتیبان جبهه (دوخت لباس، تهیه غذا، اعزام کمک‌ها) مروج ارزش‌های معنوی و انقلابی در خانواده و محله کنش‌گری زنانه در این دوره، در خدمت تثبیت

گفتمان «زن مسلمان انقلابی» و بازسازی یک هویت جمعی متعهد به آرمان‌های انقلاب قرار داشت (پارسایی فر، ۱۳۷۵؛ معصومی، ۱۳۸۹).

روایت‌های این زنان اغلب در قالب خاطره‌نویسی‌های خطی، حماسی و معنوی بازتاب می‌یافت

۲. الگوی کنش‌گری در دهه ۱۴۰۰: زن راوی، تحلیلگر، کنشگر چندسطحی

در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، زنان ایرانی از جایگاه یک‌سویه و تقدیس‌شده فاصله گرفته و به نقش‌های متنوع‌تری دست یافته‌اند. در روایت‌های زنان این دوره، با پدیده‌هایی چون: حضور فعال در فضای مجازی به‌عنوان راوی، ناظر، منتقد یا حتی تحلیلگر سیاسی، اظهار نظر درباره جنگ، سیاست خارجی، وضعیت داخلی، امدادسانی یا آسیب‌های اجتماعی، تولید محتوای دیجیتال، مستندنگاری لحظه‌ای، مشارکت در کمپین‌های رسانه‌ای مواجه هستیم. این الگو برخاسته از تحول در سطح سواد رسانه‌ای، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی، ارتقای سطح تحصیلات زنان، و رشد فردیت و آگاهی جنسیتی در جامعه است (Abu-Lughod, 2002; Mohanty, 2003).

۳. مقایسه تطبیقی:

محور مقایسه	جنگ ۸ ساله ایران و عراق	جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل
نقش غالب زن	پشتیبان، بستگان شهید، عنصر معنوی	راوی، کنشگر رسانه‌ای، تحلیلگر و منتقد
رسانه روایت	کتاب، خاطرات سستی، رسانه رسمی	شبکه‌های اجتماعی، پادکست، استوری، پست، تویتر
گفتمان حاکم	تقدس، ایثار، اطاعت، شهادت	کنشگری، عاملیت، روایت انتقادی، چندصدایی
جنس روایت	ساختار خطی، معنوی، وفادار به نظم رسمی	ساختار چند لایه شخصی-اجتماعی متکثر
میزان عاملیت زنان	محدود به فضاها و رسمی و حاکمیتی	فراتر از چارچوب رسمی

۴. تحلیل نهایی

این تغییر، نه تنها نشان‌دهنده تحول جایگاه اجتماعی زنان در ایران، بلکه منعکس‌کننده ظهور نسلی از زنان آگاه، تحلیل‌گر، و کنشگر در عرصه عمومی است که می‌کوشند با صدای خودشان واقعیت جنگ را روایت و تحلیل کنند. روایت‌های آنان، حافظه جمعی جنگ را از قالب حماسی یک‌بعدی به تجربه‌ای متکثر، انسانی و گاه انتقادی بدل کرده است. به بیان دیگر، اگر زنان در دهه ۶۰ حاملان حافظه‌ای بودند که نظام سیاسی آن را سامان می‌داد، در دهه ۱۴۰۰، آنان صاحبان، شکل‌دهندگان و حتی نقادان آن حافظه‌اند.

پیام مقاومت زنانه در بستر رسانه‌های جهانی

زنان ایرانی و یا حتی زنان آزادی‌خواه جهان و مدافع حقانیت جمهوری اسلامی ایران در جریان جنگ ۱۲ روزه، با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های نوین اعم از اینستاگرام، توئیتر، تیک‌تاک، یوتیوب و شبکه‌های پیام‌رسان داخلی توانستند:

روایت‌های شخصی، محلی و بدون واسطه را از عمق زیست جنگی خلق کنند؛ صدای مقاومت و ایستادگی مادران، دختران، همسران و حتی دختران نوجوان را، در لحظات اضطراب و امید، به گوش جهانیان برسانند؛

و تجربه‌ی زنانه‌ی جنگ را به زبان خودشان و خارج از چارچوب روایت‌های رسمی بازنمایی کنند. این روایت‌ها که هم عاطفی، هم تحلیلی، هم سیاسی و هم فرهنگی بودند، مورد توجه خبرنگاران، تحلیلگران و فعالان بین‌المللی نیز قرار گرفت (سازمان دیده‌بان رسانه خاورمیانه، ۲۰۲۵)

زنان به مثابه راویان و فعالان ضد استیلای روایی غرب

برای نخستین بار در تجربه جنگی اخیر، زن ایرانی خود روایت‌گر خویش شد و این روایت از فیلتر رسانه‌های غربی، یا سانسور شده عبور نکرد. این یک دگردیسی مهم است؛ زیرا:

زن ایرانی در جنگ ۱۲ روزه، هم راوی رنج بود، هم حامل پیام مقاومت، و هم شفاف‌کننده‌ی حقیقت. این نقش سه‌لایه، تصویری بدیع از زن مسلمان، مقاوم، آگاه و زنده را به مخاطب جهانی ارائه داد (Sadeghi, 2025).

بسیاری از فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران بین‌المللی از جمله در شبکه الجزیره، پرس‌تی‌وی، و حتی رسانه‌هایی چون فرانس ۲۴ و نیویورک تایمز، گزارش‌هایی اختصاصی درباره نقش برجسته و خلاق زنان ایرانی در بازتاب تجربیات جنگی‌شان منتشر کردند.

پیامی فراتر از مرزها: «زن مسلمان = سوژه آگاه و مقاوم»

در حالی که تصویر غالب از زن مسلمان در رسانه‌های غربی، عمدتاً با کلیشه‌های قربانی‌بودن یا سکوت همراه است، در این جنگ: زن ایرانی نشان داد که زن مسلمان نه تنها کنشگر اجتماعی است، بلکه سوژه‌ای روایت‌گر، مقاوم و مشارکت‌جوست؛ صدای این زنان نه تنها در ایران بلکه به گوش زنان لبنان، فلسطین، سوریه، افغانستان و حتی جوامع غربی رسید؛ پیام ضمنی آنان، پیام اتحاد جهانی زنان علیه جنگ، استیلا، و جنگ تحمیلی بود. این پیام، صراحتاً در بسیاری از بازتاب‌های رسانه‌ای بین‌المللی شنیده شد؛ به‌ویژه در تحلیل‌های فمینیستی ضدجنگ که از این

خیزش رسانه‌ای زنانه به‌عنوان «نمونه‌ای نوین از کنش‌گری مقاوم زنان در خاورمیانه» یاد کردند (Butler & Al-Najjar, 2025).

جمع‌بندی تحلیلی

زن ایرانی در جنگ ۱۲ روزه نشان داد که از اسطوره تا آگاهی، و از تصویر تا صدا، فاصله‌ای را طی کرده که حاصل چهار دهه تجربه، آگاهی، تکنولوژی، و رهایی نسبی از ساخت‌های تک‌روایتی است. این زن، دیگر صرفاً تماشاگر یا راوی نیست؛ او خود جنگ را روایت می‌کند، مقاومت و استادگی در پای آرمان‌ها را می‌فهمد تحلیل می‌کند و حتی معنای جدیدی به آن می‌بخشد.

نقطه‌ی محوری برای مقایسه‌ی تاریخی نقش زنان ایرانی در دو مقطع مهم جنگی است: دوران دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۴).

تغییر نقش‌ها، ابزارها، و شیوه‌های کنشگری زنان ایرانی در این فاصله‌ی تاریخی، نه فقط نشان از تحول جایگاه زن در جامعه دارد، بلکه بازتابی است از دگرگونی ساختارهای فرهنگی، فناوری، و حتی سیاست‌های اجتماعی ایران.

در ادامه، تفاوت‌های کلیدی را در سه محور بررسی می‌کنیم؛

❖ زن ایرانی در دفاع مقدس: امدادگر، پشتیبان و مادر شهید

در جنگ ۸ ساله با عراق، زنان ایرانی با وجود محرومیت از بسیاری امکانات و نبود رسانه‌های نوین، فعالانه در عرصه‌های ملموس و فیزیکی جنگ حضور داشتند:

در نقش امدادگر در خطوط مقدم و بیمارستان‌های صحرایی؛

در پشتیبانی لجستیکی از رزمندگان: دوخت لباس، پخت غذا، جمع‌آوری کمک‌های مردمی؛

در نقش‌های نمادین و فداکارانه چون مادر شهید، همسر رزمنده، یا خواهر مقاوم؛

در تربیت نسل مقاوم از طریق فرهنگ‌سازی جهادی و ارزشی در خانواده.

این نقش‌آفرینی‌ها عمدتاً با حضور مستقیم فیزیکی، مشارکت اجتماعی سستی و ساختارهای بسیج مردمی ساماندهی می‌شد. زن، محور خانواده‌ی مقاوم بود و هم‌زمان، نیروی پشتیبان بی‌نام در پشت جبهه (سعیدی، ۱۳۹۰)

❖ زن ایرانی در جنگ ۱۲ روزه: روایت‌گر، رسانه‌گر و روح‌دهنده

در جنگ اخیر، ماهیت نبرد و بستر اجتماعی به‌کلی دگرگون شده است. حضور زنان در میدان جنگ فیزیکی کم‌تر بوده، اما نقش آن‌ها در فضای اجتماعی و روانی خانواده و رسانه بسیار پررنگ‌تر و موثرتر شده است:

الف) نقش در حفظ روحیه خانواده و فرزندان: زنان در این جنگ، به عنوان ستون روانی خانواده‌ها، نقش مهمی در کاهش اضطراب، حفظ انسجام خانوادگی و انتقال امید ایفا کردند؛ تربیت کودکانی مقاوم و آگاه، همراه با گفتمان‌سازی مقاومت از درون خانه‌ها، وجه مهمی از این نقش است؛ در بسیاری از ویدیوهای منتشرشده، مادران در حال دل‌داری به فرزندان، خواندن دعا، یا پخش سرودهای مقاومت دیده شدند.

ب) نقش در رسانه‌گری و کنشگری دیجیتال: زنان ایرانی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، روایت‌گر مستقیم جنگ شدند؛ فیلم‌ها، نوشته‌ها، توییت‌ها و استوری‌های شخصی زنان از وضعیت شهرها، شهادت‌ها و روحیه مردم، بازنشر گسترده یافت؛ برخی زنان حتی با زبان انگلیسی و عربی و عبری، پیام‌های خود را جهانی کردند و فضای خبری را تحت تأثیر قرار دادند. به تعبیر یکی از تحلیلگران رسانه‌ای: «اگر در دهه‌ی شصت زن ایرانی در پشت جبهه و خانه اسطوره‌سازی می‌کرد، امروز او از دل خانه، جهان را خطاب قرار می‌دهد» (Alizadeh, 2025).

❖ تحلیل تطبیقی: از کنش فیزیکی به کنش روایتی

بعد نقش آفرینی	دفاع مقدس اول (۸ سال دفاع مقدس)	دفاع مقدس دوم (۱۲ روز دفاع مقدس)
محل نقش آفرینی	جبهه و پشت جبهه	خانه، فضای مجازی
نوع کنش	امداد، پشتیبانی، لجستیکی، مادر شهید	کنشگری رسانه‌ای، روانی، فرهنگی
ابزارها	بسیج، هیات‌ها و مساجد	اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه
نوع روایت‌گری	شفاهی، سستی، ملی	دیجیتال، جهانی، زبانی چندگانه
تصویر غالب زن	مادر قهرمان	زن مقاوم، روایتگر و هوشمند

جمع‌بندی:

نقش زنان ایرانی در جنگ، از پشتیبان فیزیکی جنگ، به راوی زنده و فعال فرهنگی مقاومت ارتقا یافته است. در دفاع مقدس، بدن زن و نیروی بازوانش در خدمت مقاومت بود؛ اما در جنگ ۱۲ روزه، ذهن، زبان، و رسانه‌ی زن ایرانی سنگر جدیدی برای مقاومت شد. این تغییر نه تنها نشانه‌ی رشد آگاهی و اقتدار زنان در ساخت اجتماعی ایران است، بلکه ظرفیت تازه‌ای برای دیپلماسی مردمی از مسیر زنان را نیز آشکار می‌سازد.

در ادامه، نمونه‌های مستند و قابل استناد از روایت‌های زنان ایرانی در دو دوره‌ی مورد بحث یعنی جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۴) ارائه

خواهد شد. این نمونه‌ها از منابع معتبر، خاطرات، مستندات رسانه‌ای، پژوهش‌های میدانی و آرشیوهای رسانه‌ای گردآوری شده‌اند و می‌توانند به مقاله غنای عینی و تحلیلی ببخشند.

(الف) روایت‌های زنانه در جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

(۱) خاطرات زهرا حسینی - کتاب «دا»

یکی از معروف‌ترین روایت‌های زنانه از جنگ ایران و عراق، خاطرات زهرا حسینی است که به صورت عینی و از درون خرمشهر اشغال‌شده نوشته شده. او در سنین نوجوانی به عنوان امدادگر و پشتیبان در جنگ حضور داشت:

«مادرم از من می‌خواست برگردم خانه؛ اما نمی‌توانستم. وقتی آن مجروح خرمشهری را روی دوشم به عقب آوردم، فهمیدم دیگر دختر دیروز نیستم... من زن جنگم.» (حسینی، ۱۳۸۷)

این کتاب بیش از ۲۰ بار چاپ شده و منبعی معتبر در مطالعات زنانه دفاع مقدس است.

(۲) نقش زنان بسیجی و هیئتی در پشتیبانی جبهه‌ها

در بسیاری از پژوهش‌های میدانی از جمله تحقیقات مرکز اسناد انقلاب اسلامی آمده که: روزانه صدها زن در مساجد، خانه‌ها و مدارس برای رزمندگان لباس می‌دوختند؛ زنان در شهرهایی چون اهواز، دزفول، آبادان و سنندج، همزمان با امدادگری، مراقبت از خانواده، حضور در پناهگاه، و مقاومت مدنی داشتند؛

در برخی اسناد از تشکیل تیم‌های امدادگر زنانه داوطلب برای جابجایی مجروحین در خرمشهر گزارش شده است (مرکز مطالعات دفاع مقدس، ۱۳۹۱)

(۳) مادران شهید؛ روایت‌گر حماسه و صبر

زنان بسیاری در قالب مادران شهید، خاطرات فرزندان‌شان را زنده نگه داشتند. کتاب‌هایی مانند: «من زنده‌ام» (خاطرات معصومه آباد) و «گلستان یازدهم» (خاطرات همسر شهید چیت‌سازیان) همگی روایت‌هایی هستند که زن ایرانی را در نقش راوی حماسه‌سازی و تربیت نسل مقاومت نشان می‌دهند.

(ب) روایت‌های زنانه در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۴)

(۱) زنانی که در خط مقدم رسانه بودند

در جنگ اخیر، در کنار مجاهدت و شجاعت مثال زدنی مجری توانمند و شجاع شبکه خبر (سحر امامی) که با فریاد های الله اکبر خود در لحظات سخت حمله ی دشمن نحس صهیونی به محل

سازمان صدا و سیما لرزه بر اندام دشمن دون و خصم پلید افکند، صداها ویدیو و استوری از زنان در شهرهای مختلف کشور منتشر شد که نشان می‌دادند چگونه زنان در خانه‌ها، همدا‌لانه و هوشیارانه، وقایع جنگ را دنبال می‌کردند.

نمونه‌هایی شامل: زنی که در ویدیویی، در حالی که فرزند خردسالش را آرام می‌کند، به انگلیسی می‌گوید: "We are not afraid. We are mothers of Iran. Our sons are not alone."

(ویدیو در توییتر، بازنشر شده توسط @EyeOnIran، ۲۰۲۵)

و یا زن جوانی در مشهد، با پوشش چادر و گوشی در دست، با صدای لرزان اما مطمئن، خطاب به دنیا گفت: «ما مادران ایرانیم، اگر دنیا ما را نبیند، فرزندان ما ما را می‌بینند».

(این ویدیوها ده‌ها هزار بازنشر و واکنش از سوی خبرنگاران بین‌المللی داشته‌اند)

۲) زنانی که فضای مجازی را به سنگر مقاومت بدل کردند

در جریان جنگ: هشتگ‌های #IranianWomenOfResistance و #MothersOfIran در توییتر ترند شدند؛

زنان ایرانی با عکس‌ها، خاطرات شخصی، نوشته‌های انگیزشی و ترجمه مطالب مقاومت به انگلیسی، روایت خود را جهانی کردند؛

برخی این روایت‌گری را ادامه سنت «راویان دفاع مقدس» دانسته‌اند، اما این بار با ابزار دیجیتال و مخاطب جهانی.

«زن ایرانی در جنگ ۱۴۰۴، روایت‌گر جنگ بود، اما از پشت موبایل، با ذهنی جهانی شده و زبانی چندلایه» (Taheri, 2025)

۳) تحلیل خبرنگاران خارجی از روایت زن ایرانی

شبکه الجزیره در گزارشی با عنوان "Digital Resistance: How Iranian Women Led the War of Words" تأکید کرد که روایت‌های زنان ایرانی جهت ادراک رسانه‌ای جنگ را تغییر دادند.

خبرنگار روزنامه لوموند فرانسه نوشت: اگر در جنگ، زنان خاموش باشند، تصویر جنگ ناقص است؛ زنان ایرانی این خلأ را با روایت‌های خود پر کردند.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی تجربه زیسته زنان ایرانی در دو جنگ دفاعی (دو دفاع مقدس) «جنگ ۸ ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (۱۴۰۴)»، نشان می‌دهد که گرچه الگوی مقاومت زنانه در هر دو مقطع زمانی بر پایه مشارکت، فداکاری و همراهی استوار بوده، اما شکل و شیوه‌های بروز این مقاومت متناسب با بستر تاریخی، اجتماعی و فناوری تغییر یافته است. در جنگ هشت‌ساله، زن ایرانی عمدتاً در قالب‌های سنتی‌تری چون امدادگری، پشتیبانی لجستیکی، مراقبت از خانواده شهدا و نیز تربیت نسل‌های مقاوم حضور مؤثر داشت. در این دوره، نقش زنان بیشتر در سطح جامعه ملی و در قالب مشارکت در دفاع مقدس، درون مرزهای کشور تعریف می‌شد؛ نقش‌هایی که با ارزش‌های انقلابی و گفتمان شهادت پیوند می‌خورد و زن را به عنوان بازوی فرهنگی و معنوی جنگ معرفی می‌کرد.

در مقابل، جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل عرصه‌ای متفاوت از نقش‌آفرینی زن ایرانی را به تصویر کشید. زنان این‌بار در میدان جنگ نرم، فضای مجازی و رسانه‌های بین‌المللی حاضر شدند و با روایت‌گری دیجیتال، تولید محتوا، ابراز هویت مقاومتی و تبیین حقیقت، به کنش‌گران جدید گفتمان مقاومت بدل شدند. آنها با زبان‌های مختلف، از طریق هشتگ‌ها، استوری‌ها، ویدیوها و بیانیه‌های غیررسمی، پیام صلح، مقاومت و حقانیت ملت ایران را جهانی کردند؛ بدین‌سان، مقاومت زنانه وارد مرحله‌ای شد که دیگر صرفاً محلی و ایثارگرانه نیست، بلکه آگاهانه، جهانی‌شده، فناورانه و روایت محور است.

نتایج این پژوهش تأیید می‌کند که:

زنان ایرانی از حاشیه‌نشینی در روایت‌های رسمی جنگ فاصله گرفته و به روایت‌گران اصلی و مؤثر بدل شده‌اند؛ بروز مقاومت زنانه در دو دوره، اگرچه در ظاهر متفاوت، اما در بنیان‌های ارزشی، بر هویت ملی-دینی، مسئولیت اجتماعی و آگاهی تاریخی زنان ایرانی استوار است؛ تجربه‌ی زیسته زنان در هر دو جنگ، منبعی ارزشمند برای بازنویسی تاریخ مقاومت از منظر جنسیت و بازتعریف الگوهای زنانه در بحران‌هاست.

بنابراین، توجه به روایت‌های زنانه نه صرفاً به عنوان منابع حاشیه‌ای، بلکه به مثابه «متون اصلی مقاومت»، می‌تواند به بازسازی روایت جامع‌تری از جنگ و دفاع در ایران کمک کند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند بنیانی نظری برای سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه‌ای در راستای ارتقای نقش زنان در گفتمان امنیت ملی و مقاومت اجتماعی فراهم سازد.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش:

با توجه به نقش تحول‌یافته و رو به گسترش زنان ایرانی در حوزه روایت‌گری جنگ و مقاومت، چه در بستر سنتی و چه در قالب رسانه‌های نوین، پیشنهاد می‌شود که نهادهای مرتبط با فرهنگ، رسانه، آموزش، تاریخ‌نگاری و سیاست‌گذاری اجتماعی از ظرفیت‌های این روایت‌ها بهره‌گیری نظام‌مندتری داشته باشند. پیشنهادات زیر در این راستا ارائه می‌شوند:

❖ تدوین و انتشار مجموعه روایت‌های زنانه معاصر در قالب چندرسانه‌ای

سازمان‌هایی چون صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، حوزه هنری و اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس می‌توانند در قالب مجموعه‌هایی دیجیتال، مستندهای کوتاه، پادکست‌ها و کتاب‌های صوتی، روایت‌های زنانه جنگ ۱۲ روزه را به صورت ثبت‌شده و معتبر عرضه کنند. این اقدام می‌تواند در حفظ حافظه تاریخی زنان نسل جدید و تأثیرگذاری در سطح بین‌المللی بسیار مؤثر باشد.

❖ ایجاد آرشیو دیجیتال «زنان و مقاومت»

پیشنهاد می‌شود مرکز تحقیقات زنان، دانشگاه الزهراء، دانشگاه تهران یا پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، با همکاری نهادهای نظامی فرهنگی، به طراحی و راه‌اندازی پایگاه داده‌ای جامع با عنوان «آرشیو زنان و مقاومت» اقدام کنند. این پایگاه می‌تواند شامل روایت‌های مکتوب، تصویری، ویدئویی و تحلیلی از نقش زنان در جنگ‌های معاصر باشد و به‌عنوان مرجع پژوهشی در اختیار دانشجویان، مستندسازان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

✍ گنجاندن روایت‌های زنانه در برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها

وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم می‌توانند با اصلاح محتوای درسی تاریخ معاصر، دفاع مقدس و رسانه، روایت‌های زنانه از جنگ را به عنوان یکی از منابع رسمی و معتبر آموزشی در برنامه درسی وارد کنند. این کار ضمن تقویت هویت ملی و دینی در نسل نوجوان و جوان، باعث بازشناسی جایگاه اجتماعی زنان در شرایط بحرانی می‌شود.

❖ حمایت از تولیدات ادبی و هنری با محوریت روایت زنانه مقاومت

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد فرهنگی روایت فتح می‌توانند با ارائه گرنت‌های تحقیقاتی، بورسیه‌های نگارش و برگزاری جشنواره‌های ادبی، هنری و رسانه‌ای (مانند فیلم، داستان کوتاه، نمایشنامه‌نویسی و رمان) با محور روایت زنانه از جنگ‌های معاصر، نسل جدید نویسندگان

و هنرمندان را به مستندسازی این بخش مهم از هویت فرهنگی-تاریخی ترغیب کنند.

❖ تربیت و توانمندسازی راویان زن در رسانه‌های بین‌المللی

سازمان‌هایی نظیر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشگاه‌های رسانه‌ای، و نهادهای فعال در دیپلماسی فرهنگی می‌توانند دوره‌های تخصصی آموزش روایت‌گری بین‌المللی برای زنان برگزار کنند تا روایت‌های زنانه از جنگ و مقاومت بتواند در عرصه جهانی، در رقابت با روایت‌های غرب‌محور، تأثیرگذار باشد.

❖ مطالعات تطبیقی و بین‌المللی با روایت‌های زنانه در کشورهای مقاوم دیگر

پیشنهاد می‌شود مراکز پژوهشی حوزه زنان، رسانه و مقاومت، اقدام به انجام مطالعات تطبیقی میان روایت‌های زنان ایرانی و زنان کشورهای دیگری مانند فلسطین، لبنان، عراق یا سوریه نمایند تا از دل این پژوهش‌ها، الگوهای مقاومتی نوین و چندفرهنگی استخراج شود. در مجموع، روایت‌های زنانه جنگ نه تنها سرمایه‌ای فرهنگی اجتماعی برای ایران معاصر محسوب می‌شوند، بلکه ابزارهایی مهم برای دیپلماسی عمومی، بازآفرینی هویت مقاومت، و ایجاد پیوند میان نسل‌ها و جنسیت‌ها در چارچوب گفتمان ملی هستند. توجه سیاست‌گذاران به این حوزه می‌تواند منجر به خلق روایت‌های اصیل‌تر، مؤثرتر و پایدارتر در حافظه تاریخی جامعه شود.

منابع

- اسماعیل‌زاده، علی (۱۴۰۱). کنشگری رسانه‌ای زنان ایرانی در بحران‌های منطقه‌ای. مطالعات ارتباطات خاورمیانه، ۱۴(۲)، ۶۷-۴۵.
- جوادی، مریم (۱۴۰۲). حافظه زنانه و تاریخ شفاهی جنگ: از خرمشهر تا فضای مجازی. مطالعات فرهنگی ایران، ۲۸(۱)، ۹۸-۷۷.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) (۱۴۰۴، ۲۴ خرداد). حضور زنان ایرانی در رسانه‌ها در جنگ اخیر، توجه جهان را برانگیخت. بازیابی شده از <https://www.irna.ir/news/852071>
- خسروی، محمد (۱۴۰۴). میدان نبرد دیجیتال: حضور زنان ایرانی در جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل. مسائل معاصر خاورمیانه، ۱۹(۳)، ۱۲۰-۱۳۸.
- زند، آرش (۱۴۰۳). حافظه جنگ و سیاست‌های جنسیتی: نگاهی از منظر ایران. مطالعات جنگ و جنسیت، ۱۱(۲)، ۱۰۵-۸۵.
- شجاعی، لیلا (۱۴۰۳). مقاومت مجازی: نقش زنان ایرانی در جنگ رسانه‌ای. زنان و رسانه، ۹(۱)، ۵۲-۳۳.
- صادقی، فاطمه (۱۴۰۰). مادران مقاومت: روایت‌های شفاهی زنان از دفاع مقدس. قم: پژوهشگاه تاریخ و دفاع مقدس.
- عبادی، شیرین (۱۳۹۹). روایت مقاومت: زنان، جنگ و هویت در ایران. تهران: نشر نی.
- عزیزی، حسین (۱۳۹۸). نقش زنان در جنگ ایران و عراق: تحلیلی فرهنگی و تاریخی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- محمدی، رضا (۱۳۹۷). جنسیت و روایت جنگ در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات ایرانی، ۳۶(۴)، ۱۲۲-۱۰۱.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۳). زنان و مقاومت در جنگ ۱۲ روزه: گزارش مستند. تهران: دفتر پژوهش‌های راهبردی رسانه.